

توسعه تدریجی حقوق کودکان کار در پرتو آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر

کارن روحانی**

سید بهنام مهردل*

چکیده

ظهور هنجارهای بین‌المللی با هدف حمایت از کودکان یکی از مهم‌ترین تحولات قابل توجه در حقوق بین‌الملل مدرن است. در همین راستا لغو کار کودکان مهم‌ترین تحولاتی بود که پس از تشکیل جامعه ملل، توسط کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار پیگیری شد؛ به طوری که امروزه یکی از چهار اصل بنیادین حقوق بنیادین کار در اعلامیه اصول حقوق بنیادین کار ۱۹۹۸، «لغو بدترین اشکال کار کودکان» است. از طرفی در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین ابزار توسعه حقوق بشر تفسیر برخاسته از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر ارائه می‌شود. از این رو در این پژوهش، این پرسش مطرح می‌شود که آیا دادگاه اروپایی حقوق بشر تا چه حد در توسعه حقوق کودکان کار تأثیرگذار بوده است؟ و در نتیجه‌گیری این فرضیه مورد تأیید قرار گرفته است که دادگاه با رویکرد تفسیر ایستا و از طریق ارجاع آرای خود به منابع اصلی حقوق بین‌الملل، در توسعه حقوق کودکان کار هرچند به صورت تدریجی نقش تأثیرگذاری ایفا می‌کند. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع الکترونیکی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی: حقوق بنیادین کار، حقوق کودکان کار، دادگاه اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

* استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران

karanrohani@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، قائم شهر، ایران (نویسنده مسئول)

mehrdel@iran.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳

سرآغاز

در طول تاریخ استفاده از نیروی کار کودکان همواره امری معمول و متداول بوده است. کودکان از قرن‌ها پیش همراه با والدین و نزدیکان خود به کارهای مختلف از جمله کشاورزی و دامداری اشتغال داشته‌اند. با توسعه صنعت و ایجاد کارخانه‌های صنعتی و مشاغل حاشیه‌ای آن، کار کودکان به شکل مزدبگیری و در خارج از محیط خانواده عمومیت یافت و بهره‌کشی از کودکان توسط کارفرمایان به‌عنوان یک معضل اجتماعی درآمد (وطن‌خواه، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

بررسی تاریخی نیز حکایت از آن دارد که وقوع انقلاب صنعتی و استثمار ناجوانمردانه از طبقات کارگری بالأخص کودکان، وجدان‌های خفته را به تکاپو واداشت تا برای حمایت از کودکان که تحت استثمار کارفرمایان به کارهایی که با روحيات جسمی و روانی آنان همخوانی نداشت، به مقابله برخاسته و قواعد و مقرراتی را در جهت حمایت از کودکان کار مقرر کنند (جنگجوی، نصیری و حامی، ۱۳۹۴: ۷۰).

تخمین‌های سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که حدود ۱۵۲ میلیون نفر کودک (۸۸ میلیون پسر و ۶۴ میلیون دختر) در سراسر جهان - که تقریباً شامل ۱۱ درصد از کل جمعیت کودکان جهان هستند - به‌عنوان نیروی کار در حال فعالیت هستند. از این تعداد، حدود ۷۳ میلیون کودک در کارهای بسیار خطرناک اشتغال دارند که ۱۹ میلیون از این تعداد، کمتر از ۱۲ سال هستند. کودکان عمدتاً در اقتصادهای غیررسمی از جمله بخش‌های کشاورزی (۹۸ میلیون نفر)، خدمات (۵۴ میلیون نفر) و صنعت (۱۲ میلیون نفر) مشغول به کار هستند. مبارزه با کار کودکان به هیچ‌وجه محدود به کشورهای فقیر نیست. ۲۳ درصد از کودکان در کشورهای کم‌درآمد، ۹ درصد کودکان در کشورهای با درآمد متوسط پایین‌تر و ۶ درصد کودکان در کشورهای با درآمد متوسط بالا را کودکان کار تشکیل می‌دهند (ILO, 2020: 41)، این در حالی است که تقریباً یک‌سوم از این آمار بین سال‌های ۲۰۰۰ م تا ۲۰۱۲ م. کاهش یافته، به‌طوری‌که پیش از عزم جهانی در این خصوص، این آمار در سال ۲۰۰۰ م حدود ۲۴۶ میلیون نفر بوده و حدود ۱۷۱ میلیون نفر کودک در کارهای خطرناک مشغول بودند. با این حال به‌طور متوسط روزانه ۳۰،۰۰۰ کودک کار به جمعیت جهان اضافه می‌شود (ILO, 2020: 10). بین کار کودکان و موقعیت‌های درگیری و فاجعه ارتباط زیادی وجود دارد. بروز کار کودکان در کشورهایی که تحت تأثیر درگیری‌های مسلحانه قرار دارند ۷۷ درصد بیشتر از متوسط جهانی آن است

(ILO, 2019:11).

واقعیت دردناک زندگی این افراد بی‌پناه موجب شد تا از دهه آخر قرن پیشین، حقوق کودک کار مورد توجه جامعه بین‌الملل واقع شود (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷: ۲۳۸). در این دهه، نگرانی راجع به بهره‌کشی از کودکان به موضوعی تبدیل شده بود که حساسیت عمومی را در جهان برانگیخته بود و تنها به چند نهاد بین‌المللی نظیر سازمان بین‌المللی کار و یا معدودی سازمان غیردولتی محدود نمی‌شد (Blagbrough, 1997:123).

از طرفی گزارش‌های اتحادیه اروپا نشان می‌داد، در همه کشورهای عضو اتحادیه جمعیت کودکان کار رو به افزایش است. این کودکان با انواع کارهای سخت در بعضی از کشورها به‌عنوان منبع درآمد مواجه بودند. در حالی که مشکلات اقتصادی ممکن است عاملی اساسی برای ورود کودکان به‌عنوان نیروی کار باشد، مهاجرت و قاچاق کودکان عواملی دیگری بوده که اروپا را در کانون توجه به‌عنوان مقصد کار اجباری و بهره‌برداری از کودکان قرار داده بود (ILO and IPEC, 2010).

نگرانی‌های فوق باعث شده که بسیاری از فعالان حقوق کار برای مقابله با پدیده شوم کار کودک متوسل به استفاده از ظرفیت‌های حقوقی و تفاسیر قضایی آرای دادگاه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای شوند. در این راستا رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر و نقش این دادگاه در توسعه مفهومی بسیاری از حقوق بنیادین بشر از مهم‌ترین مسائلی بوده که در این سال‌ها مورد توجه آنها قرار گرفته است. در واقع وظیفه اصلی حقوق، فراهم آوردن مجموعه‌ای نظام‌مند از قواعد و مقررات برای ایجاد وحدت است تا بتوان از آن طریق به امنیت حقوقی دست یافت. به همین جهت، حقوق به دنبال خلق قواعدی است که دارای ثبات و صلاحیت باشند و با ذوق و سلیقه افراد تغییر نکند. در این میان، ثبات قواعد حقوقی در مقابل کارایی نظام حقوقی در مواجهه با وقایع جهان خارج و مقتضیات جامعه دارای اهمیت ویژه‌ای است. از این‌رو درک درست از حقوق بنیادین می‌تواند کمک شایانی به توسعه حقوق شهروندان در مواجهه با رفتار و عملکرد دولت‌ها شود. این درک درست زمانی ایجاد می‌شود که رویه قضایی و دکتترین حقوقی تفسیر پویایی از حقوق داشته باشند. این رویکرد را می‌توان در محاکم قضایی، داوری و نظارتی بین‌المللی و منطقه‌ای -از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی حقوق دریا، رکن تجدیدنظر سازمان جهانی تجارت، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، دیوان دادگستری اتحادیه اروپا و دادگاه آمریکایی حقوق بشر- به

وضوح دید.

با این فرض که بسیاری از آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر در توسعه تدریجی حقوق بنیادین بشر نقش اساسی داشته است، بررسی و یافتن آراء مرتبط با حقوق کودکان کار در توسعه مفاهیم حقوق می‌تواند مؤثر باشد. از این‌رو محققان در این پژوهش، این فرضیه را مطرح می‌کنند که «دادگاه با رویکرد تفسیر ایستا و از طریق ارجاع آرای خود به منابع اصلی حقوق بین‌الملل، در توسعه حقوق کودکان کار هرچند به صورت تدریجی نقش تأثیرگذاری ایفا می‌کند». روش مورد استفاده این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع الکترونیکی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

در خصوص مفهوم واژه توسعه، تعریف عملیاتی آن در این پژوهش شامل مفاهیم وسیعی از «رشد تدریجی، ایجاد، پیشرفت، ترقی، ظهور و بسط» می‌شود؛ به عبارت دیگر طبق این تعریف موسع از مفهوم توسعه، «توسعه هر هدفی را شامل می‌شود که در پی ایجاد و بهبود در وضعیت افراد جامعه مورد هدف باشد». توسعه تدریجی هم «شامل ارائه قاعده در باب موضوعی که هنوز حقوق بین‌الملل کار در مورد آن موضوع قاعده‌ای ندارد و یا در مورد آن هنوز رویه دولت‌ها کاملاً توسعه یا تنظیم نشده است». در این مقاله، پژوهشگران ضمن بیان مفهوم و مبانی حقوقی کودکان کار، به بررسی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص حقوق کودکان کار خواهند پرداخت.

۱. مفهوم و مبانی حقوقی کودکان کار

اصطلاح کودکان کار یک تابلو است. تابلوی نازیبایی که در هر جای دنیا تصویری متفاوت بر آن نقش بسته است. در تایلند یادآور کودکانی است که در صنعت سکس مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند؛ در امریکای جنوبی در مزارع قهوه مشغول به کار هستند؛ در چین در معادن مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند و در سوریه سلاح به دست دارند. در ایران نماد کودکان کار، چهره‌های مظلومی هستند که در راه‌بندان‌ها و مکان‌های پرآمد و شد اسفند دود می‌کنند، گل می‌فروشند، فال می‌گیرند. پوشیده نیست که این تابلوی نازیبا روی نازیباتری دارد که در آن کودکانی در کارگاه‌های شیشه‌گری و آجرپزی و دیگر مشاغل زیان‌بار، کودکی خود را می‌فروشند (رحمتی فر، ۱۳۹۷: ۲۸۴).

قبل از تعریف کار کودک باید مشخص کرد که چه سنی را کودک فرض می‌کنیم؟ در

خصوص شناخت مفهوم کودک در حقوق بین الملل بایستی به اسناد بین المللی مراجعه کرد. هر چند اعلامیه ۱۹۲۴ حقوق کودک و اعلامیه جهانی ۱۹۵۹ حقوق کودک با هدف حمایت از کودکان تنظیم و تصویب شده‌اند و حقوقی را برای کودکان در نظر گرفته‌اند، اما این اعلامیه‌ها، تعریفی از سن کودک ارائه نمی‌کنند. به هر حال یکی از مهم‌ترین اسناد بین الملل در حوزه حقوق بشر درباره کودکان، کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ است که در آن تعریفی از کودک ارائه شده است. به موجب ماده ۱ این کنوانسیون، منظور از کودک، «افراد زیر هجده سال است؛ مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا درباره کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (طلایی، احمدی باب اناری و نبوی زاده، ۱۳۹۳: ۴). در مجموع از دیدگاه کنوانسیون حقوق کودک:

۱. به عنوان یک اصل کلی، کودک هر فرد زیر هجده سال در نظر گرفته می‌شود؛
۲. کودک، اعم از دختر و پسر بدون تفکیک جنسیتی است؛
۳. اصل بر اختیار دولت‌ها در تعیین سن بلوغ است، مگر در مواردی که مصلحت کودک در حفظ بالاترین منفعت وی ایجاب کند که در این صورت سن مورد نظر کنوانسیون اعمال خواهد شد (مصفا، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

همچنین یکی از سازمان‌هایی که از همان ابتدا و در اساسنامه خود، حمایت از کودکان و نوجوانان را به عنوان اصول کلی در سرفصل اقدام‌های خود قرار داد، سازمان بین المللی کار بود. «سازمان مذکور در دوران اول فعالیت خود دو مسئله تعیین حداقل سن شروع به کار در مشاغل مختلف و نیز ممنوعیت کار کودکان در شب را مورد توجه جدی قرار داد و در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نیز آن‌ها را پیگیری کرد» (عراقی و رنجبریان، ۱۳۹۲: ۹۹).

سازمان بین المللی کار معیار اصلی برای تعریف کودک را بر مبنای حداقل سن می‌داند. از این رو، تاکنون ۱۲ مقاله‌نامه و پنج توصیه‌نامه به طور اختصاصی در این باره تصویب کرده است و در آن‌ها حداقل سن را که کمتر از آن به عنوان کودک فرض می‌شود را در مشاغل مختلف تعیین کرده است. طبق مقاله‌نامه شماره ۱۳۸ سازمان بین المللی کار، سن دقیق برای تعریف یک فرد به عنوان کودک در کشورها و زمان‌های مختلف متفاوت بود. تعاریف حداقل سن در مقاله‌نامه فوق، تعاریف حقوقی بین المللی بوده که نیاز به اجرایی شدن آن در سطح ملی از طریق قوانین مناسب و اقدام‌های نظارتی داشت. این مورد، باعث ایجاد اختلاف در بین کشورها در مورد کار

کودکان می‌شد، زیرا جهت اندازه‌گیری آماری در سطح بین‌الملل، لازم بود تا شاخص‌هایی فراهم شود که امکان سنجش یکنواخت آماری در سطح کشورها را فراهم کنند؛ بنابراین در جدیدترین آخرین مقاله‌نامه در رابطه با کار کودک، مقاله‌نامه ۱۸۲ است که طبق ماده ۲ این مقاله‌نامه به «کودک» عنوان کمتر از ۱۸ سال اطلاق می‌کند (جنگجوی، نصیری و حامی، ۱۳۹۴: ۱۹۴).

در دسامبر سال ۲۰۰۸ م، کنفرانس بین‌المللی کار قطعنامه‌ای را در مورد آمار کار کودکان به تصویب رساند که استانداردهای کلی برای سنجش کار کودکان را تعیین می‌کرد تا امکان مقایسه تخمین‌ها فراهم شود. برنامه اطلاعات آماری و نظارت بر کار کودک سازمان بین‌المللی کار - که مسئول پیگیری و بررسی کار کودک در سراسر جهان است - تعریفی از کودکان کار ارائه کرده است. طبق این تعریف، «کودکان کار عبارت‌اند از: کودکان بین پنج تا یازده‌ساله که در هرگونه فعالیت‌های اقتصادی شرکت می‌کنند، کودکان دوازده تا چهارده‌ساله که در کارهای خطرناک شرکت می‌کنند و کودکان پانزده تا هجده‌ساله‌ای که در بدترین اشکال کار کودک شرکت می‌کنند» (ILO, 2007:7). همچنین یونیسف هم برای تخمین کار کودکان از شاخص‌های مشابهی استفاده می‌کند که شامل کارهای خانگی نیز می‌شود. کودک تحت شرایط زیر درگیر کار کودکان می‌شود.

از طرفی کار کودکان و حمایت از آن‌ها یکی از اولین مواردی است که قواعد بین‌المللی نسبت به آن وضع شده است. دلیل این امر را می‌توان مرارت‌های ناشی از انقلاب صنعتی دانست که فشار آن بر طبقه ضعیف به مراتب بیشتر بوده است. این اقدام بین‌المللی را ژرژ سل تحت عنوان «قیمومت ضعفا» یاد می‌کند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۹۰). در نخستین اقدام بین‌المللی در خصوص حذف کار کودک، در سال ۱۹۱۹ و در راستای اجرای ماده ۴۲۷ معاهده ورسای، کنفرانس بین‌المللی کار در اولین اجلاس خود معاهده حداقل سن در امور صنعتی را ۱۴ سالگی تصویب کرد (ایروانیا، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

ماده ۱۰ (۳) بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ م تصریح می‌کند که «کودکان باید از استثمار اقتصادی و اجتماعی محافظت شوند. متولیان اشتغال آن‌ها در کار مضر به اخلاق یا سلامت و یا خطرناک به زندگی و یا مانع رشد عادی آن‌ها، باید توسط قانون مجازات شوند. دولت‌ها باید محدودیت سنی برای اشتغال کار کودکان فراهم و کارهای در معرض آسیب کودکان باید ممنوع شود و مجازاتی را پیش‌بینی کنند».

اکثر کشورها، قوانینی را برای منع یا اعمال محدودیت‌های شدید در زمینه اشتغال و کار کودکان به تصویب رسانده‌اند که بخش اعظم آن بر اساس استانداردهای مصوب سازمان بین‌المللی کار است. کنفرانس بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۸ م بیانیه‌ای را به اتفاق آرا به تصویب رساند که به عنوان سومین سند مهم سازمان بین‌المللی کار است. «بیانیه اصول حقوق بنیادین کار مصوب سال ۱۹۹۸ م» حاصل شش سال مذاکرات پیچیده مختلف و از نظر بسیاری از پژوهشگران و فعالان حقوق کارگری این کنفرانس بعد از «اجلاس فیلادلفیا ۱۹۴۴ م»، از مهم‌ترین اجلاس‌های سازمان بین‌المللی کار بوده است. سومین موضوعی که مورد تأکید آن بیانیه قرار گرفت «لغو بدترین اشکال کار کودک» بوده که از کشورها می‌خواهد در مبارزه با این پدیده شوم محکم و استوار باشند. در این کنفرانس همچنین مقاله‌نامه حداقل سن مصوب سال ۱۹۷۳ م (شماره ۱۳۸) به عنوان هفت مقاله‌نامه مهم و بنیادین سازمان بین‌المللی کار مورد تصویب اعضا قرار گرفت. مکمل این مقاله‌نامه، توصیه‌نامه ۱۴۶ است که در همان سال (۱۹۷۳) وضع شده و بارزترین نکات مورد توصیه در این سند، پیش‌بینی حداقل سن ۱۶ سال در کارهای عادی، بالا بردن حداقل سن استخدام به ۱۵ سال در مواردی که کمتر از آن است و نیز اعمال حداقل سن ۱۸ سال در کارهای خطرناک است (ابدی، آگاه و ابدی، ۱۳۹۲: ۱۰۰). این مقاله‌نامه که با هدف برچیدن کامل کار کودک تصویب شد، تأکید می‌کند که حداقل سن کار برای کودک نباید از سن تکمیل تحصیلات عمومی (دوره تعلیم اجباری) کمتر باشد. در واقع، برابر این مقاله‌نامه، سن تکمیل تحصیلات اجباری در هیچ شرایطی نباید از پانزده سال کمتر باشد. البته کشورهای در حال توسعه می‌توانند حداقل سن را چهارده سال تعیین کنند. همچنین سن کار برای شغل یا حرفه‌ای که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌گیرد و احتمالاً برای سلامت یا اخلاق جوانان زیان‌بار است، نباید کمتر از هجده سال باشد. حداقل سن تعیین شده در به کار گماشتن کودکان در رشته‌های معادن، صنایع تولیدی، ساختمان، برق و گاز و آب، خدمات بهداشتی، حمل‌ونقل، انبارداری، ارتباطات، مزارع و دیگر مؤسسات کشاورزی که محصولاتشان با اهداف تجاری تولید می‌شود و به صورت بازرگانی به فروش می‌رسد، اجرا می‌شود؛ ولی کارگاه‌های خانوادگی و کوچک که برای مصرف محلی تولید می‌کنند و به طور منظم کارگر استخدام نمی‌کنند، استثنا هستند. کشورهایی که به این مقاله‌نامه می‌پیوندند، متعهد می‌شوند تا برای تضمین لغو عملی کار کودکان و بالا بردن تدریجی حداقل سن پذیرش به اشتغال و کار به سطحی که با

حداکثر رشد جسمی و ذهنی جوانان سازگار باشد، سیاستی را در سطح ملی پیگیری کنند (سپهری، ۱۳۹۲: ۵۰).

در همین راستا، کنفرانس بین‌المللی کار در هجدهم ژوئن ۱۹۹۹ م، به اتفاق آرا مقاله‌نامه جدیدی به‌عنوان «بدترین اشکال کار کودک (شماره ۱۸۲)»^۱ را مورد تصویب قرار داد که به‌عنوان هشتمین «مقاله‌نامه اصلی»^۲ و بنیادین کار مورد شناسایی اعضای کنفرانس قرار گرفت. به‌طور خلاصه مهم‌ترین نکاتی که مورد توجه این دو مقاله‌نامه قرار گرفته شامل موارد ذیل است:

۱. حداقل سن مشخص‌شده، نباید در هر صورت کمتر از ۱۵ سال باشد (بند ۳ ماده ۲ مقاله‌نامه شماره ۱۳۸):
۲. حداقل سن هیجده سال برای پذیرش در هر نوع کار یا شغلی که ماهیت خطرناک برای سلامت، ایمنی یا اخلاق افراد جوان است (با هماهنگی نهادهای کارگری و کارفرمایی دولت می‌تواند حداقل سن را به شانزده سالگی تغییر دهد) (ماده ۳ مقاله‌نامه شماره ۱۳۸):
۳. اجازه کار بر اساس قوانین یا مقررات ملی و کار به افراد ۱۳ تا ۱۵ ساله در کارهای سبک به شرط مضر نبودن و عدم خلل در آموزش آن‌ها (ماده ۷ مقاله‌نامه شماره ۱۳۸):
۴. شمولیت این مقاله‌نامه برای کارهای کشاورزی، کار دریایی، صنعت و خدمات (ماده ۱۰ مقاله‌نامه شماره ۱۳۸):
۵. اعمال اصطلاح کودک برای همه افراد زیر ۱۸ سال (ماده ۲ مقاله‌نامه ۱۸۲):
۶. بدترین اشکال کار کودکان شامل کلیه اشکال برده‌داری یا شیوه‌های مشابه با برده‌داری مانند فروش و قاچاق کودکان، اسارت بدهی و سرقت و کار اجباری از جمله استخدام اجباری کودکان برای استفاده در درگیری‌های مسلحانه، استفاده از کودکان برای فحشا و تهیه فیلم‌های مستهجن، استفاده از کودکان برای فعالیت‌های غیرقانونی به‌ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر طبق معاهدات بین‌المللی مربوطه و ممانعت از کار خطرناک کودکان که به دلیل ماهیت آن و یا به دلیل شرایط آن به‌عنوان کار خطرناک شناخته می‌شود و از نظر فیزیکی، روانی، اخلاقی و رفاه کودکان را مورد آسیب جدی قرار می‌دهد (ماده ۳ مقاله‌نامه ۱۸۲):

1. the Worst Forms of Child Labor Convention, 1999
2. Core Conventions

۷. تعهد دولت‌ها نسبت به آموزش شهروندان در خصوص بدترین اشکال کار کودکان (ماده ۷ مقاوله نامه ۱۸۲)؛

۸. در حقیقت از نظر سازمان بین‌المللی کار در خصوص کار کودکان عدم رعایت حداقل سن برای کارهای معمولی و ماهیت کارهای بسیار خطرناک هر دو به نوعی عنوان بدترین اشکال کار کودکان را دارا هستند.

شناخت روزافزون کودکان به عنوان «دارنده حقوق» در حوزه حقوق بین‌الملل حقوق بشر منجر به ایجاد یک لایه حمایتی قوی هنجاری برای کودکان و منجر به رسمیت شناختن تعهدات مثبت دولت‌ها شده است. بی‌شک کنوانسیون حقوق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ م. در رأس کلیه ابزارهایی است که با موضوع کار کودکان سروکار دارند. کنوانسیون با ممنوعیت تمام اشکال استثمار و ترسیم تعهدات خاص حمایت و پیشگیری از کودکان به عنوان «دارندگان حقوق»، رویکردی گسترده‌تر نسبت به اسناد دیگر حقوق بشری اتخاذ می‌کند؛ به‌طوریکه در ماده ۳۲ کنوانسیون، به کار کودک و سن و شرایط کار کودکان توجه شده و از دولت‌ها خواسته شده که باید از استثمار اقتصادی کودک و هرگونه کاری که برایش زیانبار بوده و یا موجب توقف در تحصیل او شده است و یا برای بهداشت جسمی، روحی، اخلاقی و اجتماعی او مضر باشد، جلوگیری کنند و برای تامین این منظور، حداقل سن و حداکثر ساعات کار و سایر ضمانت‌اجراهای آن را تصویب و به اجرا درآورند. همچنین وظیفه محافظت از کودک در برابر سوءاستفاده و استثمار در خانه به صراحت در ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک آمده و دولت‌های عضو را ملزم کرده که «روش‌های مؤثری برای شناسایی، گزارش‌دهی، ارجاع، تحقیقات، پیشگیری و پیگیری موارد سوءاستفاده از کودک در صورت لزوم پیگیری قضایی ایجاد کنند».

موضوع لغو مؤثر کار کودکان نیز به طور گسترده در اسناد منطقه‌ای به تصویب رسیده است. تعیین حداقل سن برای ورود به استخدام در ماده ۱۹ منشور حقوق بشر کشورهای آمریکایی و ماده ۱۶ پروتکل الحاقی آن، ماده ۲ منشور آفریقا در مورد حقوق و رفاه کودک ۱۹۹۰ م، مواد ۱۷ و ۲۷ کنوانسیون حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، مواد ۲۴ (۲) و ۳۲ منشور حقوق اساسی اروپا و ماده ۱۵ منشور اجتماعی اروپا تأکید شده است. همچنین مقررات خاص در بدترین اشکال کار کودک در منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک شامل (مواد ۱۵، ۲۲، ۲۷ و ۲۹) و پروتکل سان سالوادور (ماده ۷) نیز با صراحت بیان شده است.

تجربه نشان داده است قانون‌گذاری به‌تنهایی نمی‌تواند کار کودک را ریشه‌کن کند؛ اما با این حال یک قانون سخت‌گیرانه، کمک‌های زیادی در خصوص ممانعت از کار کودکان فراهم می‌کند. مطالعات اخیر در چهل‌وهشت کشور جهان در مورد کار کودکان، رابطه مثبتی را بین تصویب استانداردهای حقوق بنیادین کار و قوانین کار این کشورها نشان می‌دهد. امروزه تقریباً نود و هشت درصد جمعیت جهان تحت پوشش مقاله‌نامه شماره‌های ۱۳۸ و ۱۸۲ است. در دوره زمانی ۲۰۰۴ م تا ۲۰۱۴ م، همه قوانین ۵۹ کشور توسعه‌یافته جهان به‌روز شد و در مجموع ۲۱۱ قانون در جهان در خصوص مبارزه با این پدیده شوم به تصویب رسید.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۵ جولای ۲۰۱۹ م. به اتفاق آرا قطعنامه شماره ۷۳/۳۲۷ را تصویب کرد که سال ۲۰۲۱ م. را به عنوان «سال بین‌المللی برای رفع کار کودکان» اعلام می‌کرد و از سازمان بین‌المللی کار خواسته است تا در اجرا و تحقق آن گام اساسی بردارد. همچنین این قطعنامه از کشورها می‌خواهد برای اتخاذ اقدام‌های فوری و مؤثر برای ریشه‌کن کردن کار اجباری، پایان دادن به برده‌داری مدرن، قاچاق انسان و تضمین ممنوعیت و از بین بردن بدترین اشکال کار کودکان - از جمله استخدام و استفاده از سربازان کودک - تا سال ۲۰۲۵ م. اقدام کنند.

هدف برنامه شورای اروپا برای کودکان حمایت از حقوق آن‌ها، جلوگیری از هر نوع خشونت علیه آن‌ها، اطمینان از پیگرد قانونی متخلفان و ارتقاء مشارکت کودکان در تصمیم‌هایی است که به آن‌ها مربوط می‌شود. از این رو «کنوانسیون حمایت از کودکان در برابر استثمار و سوءاستفاده جنسی^۱»، اولین ابزار حقوقی است که با جنایات و سوءاستفاده جنسی از کودکان از جمله در خانه یا خانواده مبارزه می‌کند. این کنوانسیون در تاریخ ۱ ژوئیه ۲۰۱۰ م. به اجرا درآمد. اقدام‌های پیشگیرانه بیان شده در کنوانسیون شامل غربالگری، استخدام و آموزش افرادی که در تماس با کودکان کار می‌کنند، آگاهی کودکان از خطرات و آموزش آن‌ها برای محافظت از خود و همچنین نظارت بر اقدام‌های متخلف و متخلفین بالقوه است. این کنوانسیون همچنین برنامه‌هایی را برای حمایت از قربانیان ایجاد می‌کند، کودکان را تشویق می‌کند تا از سوءاستفاده جنسی و بدترین اشکال کار کودکان را گزارش دهند و تلفن‌ها و سایت اینترنتی را برای کودکان

1 . Convention on the Protection of Children against Sexual Exploitation and Sexual Abuse

ایجاد می‌کند. همچنین تضمین می‌کند که انواع خاصی از رفتارها به عنوان جرائم جنایی طبقه‌بندی می‌شوند، مانند انجام فعالیت‌های جنسی با کودک زیر سن قانونی، روسپیگری کودک و تهیه فیلم مستهجن. این کنوانسیون همچنین از دولت‌ها می‌خواهد مجازات شدیدی را برای درخواست‌کنندگان از کودکان جهت اهداف جنسی کودکان کار و «گردشگری جنسی» اعمال کنند. با هدف مبارزه با گردشگری جنسی کودکان به‌ویژه کودکان کار، این کنوانسیون تعیین می‌کند که افراد می‌توانند به دلیل برخی از جرائم تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند حتی اگر این عمل در خارج از کشور انجام شود. این ابزار قانونی جدید همچنین کودکان قربانی در طی مراحل قضایی محافظت می‌کند، به عنوان مثال از هویت و حریم خصوصی آن‌ها حمایت می‌کند.

اگرچه موارد متعددی می‌توان نام برد که حقوق کودکان کار در چارچوب منشور اجتماعی اروپا مورد استناد دیوان دادگستری اروپا قرار گرفت، ولی ماده خاصی در کنوانسیون برای حمایت از حقوق کودکان کار در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پیش‌بینی نشد. برای مثال در دعوی «کمیسون بین‌المللی حقوق‌دانان علیه پرتغال»، دیوان دادگستری اروپا ادعا کرد که پرتغال ماده ۷ (۱) منشور اجتماعی اروپا (الزامی که حداقل سن پذیرش در شغل ۱۵ سال است) را با عدم نظارت صحیح بر کار کودکان نقض کرده است. آن‌ها ادعا کردند که تعداد زیادی از کودکان زیر ۱۵ سال در بسیاری از بخش‌های اقتصادی به طور غیرقانونی مشغول به کار بودند و با شرایط ناسالم کار روبرو هستند. دولت پرتغال ادعا کرد که فعالیت‌های بدون حقوق در درون خانواده در ماده ۷ نمی‌گنجد. در سال ۱۹۹۹، کمیته اروپایی حقوق اجتماعی، پرتغال را ناقض ماده ۷ دانست و تأیید کرد که ممنوعیت استخدام کودکان زیر ۱۵ سال در خصوص کودکانی که در مشاغل خانوادگی کار می‌کنند نیز صدق می‌کند (International Commission of Jurists (ICJ) v. Portugal, 1998).

همچنین در شکایت «کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری مستقل در بلغارستان، کنفدراسیون کار پودکراپا و اتحادیه‌های کارگری اروپا علیه بلغارستان»؛ ادعا شد که قانون بلغارستان حق اعتصاب در بخش‌های بهداشت، انرژی و ارتباطات و همچنین برای کارمندان دولت و کارگران راه‌آهن را محدود کرده است، به طریقی که مطابق با منشور اجتماعی اروپا نیست. کمیته اروپایی حقوق اجتماعی اعلام کرد که محدودیت‌های قانون بلغارستان در مورد حق اعتصاب در بخش راه‌آهن و اجازه دادن به کارمندان دولت فقط در یک اقدام نمادین است که قانون آن را اعتصاب

خوانده، نقض منشور است (Confederation of Independent Trade Unions in Bulgaria, Confederation of Labour "Podkrepa and European Trade Union Confederation v. Bulgaria, 2005). لذا پژوهشگران با فرض این نکته که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حق خاصی برای دفاع از حقوق کودکان کار وجود ندارد با ارجاع به منابع اصلی حقوق بین‌الملل به‌ویژه حقوق بین‌الملل کار در توسعه تدریجی حقوق کودکان نقش داشته است.

۲. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۱ - که «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»^۲ شناخته می‌شود - در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ م. برای امضا در رم توسط شورای اروپا گشوده و در سال ۱۹۵۳ م. لازم‌الاجرا شد. هیچ نظام حقوق بشر بین‌المللی به مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارای سازوکار اجرایی برای تشخیص نقض حقوق بشر و سپس پیگرد نیست؛ به طوریکه طبق ماده ۳۲ کنوانسیون، طرف‌های معاهده و طبق ماده ۳۴ هر فرد یا گروهی از افراد یا سازمان‌های غیردولتی که مدعی هستند حقوقی - که کنوانسیون برای آن‌ها به رسمیت شناخته - نقض شده است، می‌توانند به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کنند. طبق ماده ۳۲، دادگاه مزبور صلاحیت به کار بستن و تفسیر کنوانسیون را داراست. دولتی که علیه آن حکمی صادر شده باشد ملزم به اجرای آن است و برای این منظور دادگاه رأی خود را به کمیته وزیران گزارش می‌کند (تقوی، ۱۳۹۲: ۳۴). اصول حقوقی نام‌برده شده در کنوانسیون، از لحاظ قانونی تعیین‌کننده نیست و نیاز به تفسیر موسع از سوی دادگاه‌ها دارد تا معانی خاصی را در شرایط خاص به کار گیرد (Vitkauska, 2017:11-15).

با تصویب پروتکل شماره ۱۱ در سال ۱۹۹۸ م. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وارد مرحله جدیدی از حیات خود شد. با لازم‌الاجرا شدن این پروتکل سیستم دومارحله‌ای نظارت بر حسن اجرای این کنوانسیون که عبارت بود از رسیدگی به شکایات توسط یک کمیسیون پیش از رسیدگی دادگاه، به بررسی یک مرحله‌ای تبدیل شد. در حال حاضر دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر رأساً به شکایات وارده علیه نقض حقوق و آزادی‌های مصرح در کنوانسیون اروپایی خواهد پرداخت. افزون بر رسیدگی بر شکایات نقض حقوق بشر، دادگاه اروپایی نظریات مشورتی در

1. The Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms
2. The European Convention on Human Rights

زمینه مسائل حقوقی مرتبط با تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به درخواست کمیته وزیران صادر خواهد کرد. همچنین بر اساس پروتکل شماره ۱۶ کنوانسیون اروپا که از تاریخ ۱ اوت ۲۰۱۸ م لازم‌الاجرا شده است، بالاترین دادگاه‌های داخلی در کشورهایی که عضو پروتکل هستند، می‌توانند از نظر دادگاه، رأی مشورتی در مورد موضوعات تفسیر کنوانسیون اروپایی و پروتکل‌های آن درخواست کنند.

یکی از مشکلات موجود بر سر راه الحاق اتحادیه اروپایی به کنوانسیون آن بوده است که تا پیش از این فقط کشورها می‌توانستند به کنوانسیون بپیوندند و اتحادیه، یک کشور محسوب نمی‌شد. به علاوه هر کشور عضو شورای اروپا دارای یک قاضی در دادگاه حقوق بشر است؛ به نحوی نمی‌توانند دو قاضی با ملیتی یکسان داشته باشند. در نتیجه برای پیوستن اتحادیه به کنوانسیون، این قاعده باید تغییر می‌یافت. پروتکل شماره ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که در ۳۱ مه ۲۰۱۰ به مرحله اجرا درآمد، این مشکلات کنوانسیون را مرتفع ساخت و با مجاز ساختن اتحادیه اروپایی به عضویت طبق ماده (۲) ۵۹ اکنون هر عضو متعهد و از جمله اتحادیه می‌تواند یک قاضی در دادگاه اروپایی حقوق بشر داشته باشد (ماده ۲۰). به این ترتیب مسئله عدم حضور دو قاضی با ملیت یکسان منتفی می‌شود. در مورد نسبت میان کنوانسیون و منشور اروپایی حقوق بنیادین، بند (۳) ۵۲ منشور بیان می‌دارد که در صورت تطابق میان حقوق مطروحه در این دو سند حقوقی، معنا و دامنه حقوق یادشده همان خواهد بود که توسط کنوانسیون مشخص شده است. به سخن دیگر، کنوانسیون به تحدید و مشخص کردن مفاد منشور می‌پردازد (تقوی، ۱۳۹۲: ۳۶). به طوری که امروزه سیستم‌های اتحادیه اروپا و شورای اروپا درهم تنیده شده‌اند، زیرا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در پشت بسیاری از اصول کلی قانون اتحادیه اروپا نهفته است و مقررات آن به عنوان پایه‌ای برای «منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا» استفاده شده است، زیرا اتحادیه اروپا به عنوان یک دستورالعمل قانونی ملزم به پیوستن آن است.

۳. رویه کلی دادگاه در خصوص حقوق کودکان

برخلاف دیوان دادگستری اروپایی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مواد گسترده‌ای در مورد حقوق کودکان ندارد. تا تاریخ ۲۰۰۵، بسیاری از مظاهر مدرن و سوءاستفاده از کودکان توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر رد می‌شد. پرونده‌های مقدماتی در کمیسیون سابق حقوق بشر اروپا

عمدتاً مربوط به شکایت بزرگسالان بوده است. در حال حاضر از نظر قضات دادگاه، طبق ماده ۱ کنوانسیون، وضعیت شاکیان به عنوان یک کودک و با یک فرد بالغ نباید در تصمیم‌گیری دادگاه تفاوت اساسی داشته است؛ به عبارت دیگر کودکان هم مانند بزرگسالان حق طرح شکایت در دادگاه دارند (Siliadin v. France 2005:para36).

قبل از بررسی آئین دادرسی دادگاه در مورد حقوق کودکان، باید یادآوری کرد که در تفسیر حقوق کنوانسیون، دادگاه به طور معمول رویکردهای متدولوژیک متنوعی را ترسیم می‌کند. این رویکردها کاملاً شناخته شده بوده و شامل قوانین و استانداردهای مربوط با تفسیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که رویکرد تکاملی یا «ابزار زنده» از همین مهم نشئت می‌گیرد (مهردل و روحانی، ۱۳۹۸: ۲۳۸). این تکنیک اخیر توسط دادگاه در پرونده «تایر علیه انگلستان» اتخاذ شده که در آن پرونده دادگاه اشاره دارد که «کنوانسیون یک ابزار «زنده» است که ... باید با توجه به شرایط امروزی تفسیر شود» (Tyrer v United Kingdom, 1978: para. 162). این رویکرد در پاسخ به این واقعیت است که کنوانسیون در یک محیط ایستا عمل نمی‌کند و به استانداردهایی که ده‌ها سال پیش هنگام تهیه کنوانسیون مدنظر بوده، وابسته نیست. در شکایت «لوئیزیو علیه ترکیه»، دادگاه توضیح داد که دلیل این رویکرد مبتنی بر این نظر است که: «.. اصول اساسی کنوانسیون را نمی‌توان در خلأ تفسیر و به کار برد. با توجه به ویژگی خاص کنوانسیون به عنوان یک معاهده حقوق بشر، [دادگاه] همچنین باید هنگام تصمیم‌گیری در مورد اختلافات مربوط به صلاحیت آن، کلیه قوانین مربوط به حقوق بین‌الملل را در نظر بگیرد» (Loizidou v Turkey, 1997:para. 43). همچنین در دعوی «ایرلند علیه انگلستان»، دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام می‌دارد که با اعمال ماده ۳، ارزیابی آن از اینکه آیا پرونده مورد بحث در محدوده ماده ۳ قرار دارد، نسبی خواهد بود؛ یعنی بستگی به همه شرایط پرونده، از جمله ماهیت و زمینه پرونده، مدت زمان آن، اثرات جسمی و روحی آن و در برخی موارد جنس، سن و وضعیت سلامت قربانی دارد. مثال دیگر در خصوص استفاده از این رویکردها در پرونده‌های مربوط به کودکان، پرونده «وی علیه انگلستان» است که در آن دادگاه اعلام می‌کند «به منظور رعایت الزام‌های محاکمه عادلانه در ماده ۶ کنوانسیون، در طی مراحل محاکمه باید سن، سطح بلوغ، ظرفیت‌های فکری و عاطفی کودک مورد نظر را به طور کامل در نظر گرفت و لازم است اقدام‌های لازم برای ارتقاء توانایی، درک و مشارکت‌اش انجام شود» (V v United Kingdom, 2000:para 86). بر اساس

ماده ۳ کنوانسیون، دادگاه اعلام می‌دارد «که اقدام‌های مثبت پیش‌بینی‌شده در اصطلاحات عمومی ماده ۳ باید به طور مؤثر حفاظت از کودکان و سایر افراد آسیب‌پذیر را فراهم کند» (Z and Others v United Kingdom, 2002:para73).

روند اتکا به حقوق بین‌الملل و ابزارهای مربوط به حقوق بشر به‌ویژه در مورد موارد مربوط به حقوق کودک - به‌ویژه مواردی که در تفسیر ماده ۸ کنوانسیون - با حضانت کودک روبرو هستند، مشخص شده است. اگرچه برخی ابهام‌ها مربوط به اتخاذ «بهترین منافع» در دادرسی دادگاه حاکم است، اما پیوسته از این اصل استفاده می‌کند که در همه موارد مربوط به کودکان، بهترین منافع آن‌ها باید مهم باشد. همان‌طور که قاضی وان بورن^۱ خاطرنشان می‌کند: «همه دولت‌های عضو کنوانسیون هم‌زمان با کنوانسیون کودک طرف هستند و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به عنوان ابزار اضافی برای محافظت از حقوق بشر کودکان می‌تواند مورد استناد دادگاه قرار گیرد». با توجه به عمق و دامنه حقوق کودکان کار در کنوانسیون کودک، استفاده دادگاه از موضوع «اصل بهترین منافع» می‌تواند آشکارا نتیجه مثبتی را در موارد مرتبط با حقوق کودکان به همراه داشته باشد (Beuren, 2007:19).

همچنین در کشورهای اروپایی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تأثیر فوق‌العاده‌ای بر توسعه قانون‌گذاری و شیوه‌های حمایتی در زمینه حقوق بشر در اروپا داشته است. این کنوانسیون، در حال حاضر به عنوان یکی از اسناد بسیار مهم و موفق سند نظام‌های منطقه‌ای در حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به شمار می‌یابد که از جهت سازوکارهای اجرایی و تعداد اعضا اهمیت بسیاری دارد (دیانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲). از این رو دادگاه اعتقاد دارد بسیاری از حقوق کنوانسیون دارای اثر افقی بوده و موجب تعهدات مثبت و همچنین منفی می‌شوند. این رویکرد نیز توسط دادگاه مورد استفاده قرار گرفته که در پرونده‌های مربوط به گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله کودکان، تأثیر بسزایی داشته باشد. به عنوان مثال، دادگاه اعلام می‌کند «در صورت نبود قوانین حمایتی از کودکان کار، دولت‌ها طبق ماده ۲ کنوانسیون می‌باید مسئولیت‌پذیر باشند. تعهدات مثبت دولت‌ها از وظیفه اصلی به موارد دیگر متفاوت است. تأمین امنیت مؤثر کودکان در برابر خشونت و اشکال مختلف بدرفتاری از تعهدات مثبت دولت‌هاست. تعهدات مثبت شامل وظیفه تصویب قانون و مقررات مؤثر جزایی است. کشورها همچنین باید اقدام‌ها و ضمانت‌های ویژه‌ای را برای

1. Van Beuren

محافظت و پیشگیری از کار کودکان اتخاذ کنند» (O’Keeffe v. Ireland [GC], 2014:) (para.146).

۴. رویه کلی دادگاه در خصوص حقوق کودکان کار

رویکردهای دادگاه اروپایی حقوق بشر در مورد کار کودکان عمدتاً با اولویت‌بندی مقاله‌نامه‌های اصلی و برنامه‌های سازمان بین‌المللی کار و نهادهای حقوق بشری انجام می‌شود (See, A.H. and Others v. Russia, 2017: para. 380). استنادهای دادگاه شامل بخشی از برنامه کار شایسته، کنوانسیون برده‌داری مصوب سال ۱۹۲۶ م، کنوانسیون لغو برده‌داری، تجارت برده‌ها و مؤسسات برده‌داری و اقدام‌های مشابه آن مصوب سال ۱۹۵۶ م (C.N. v. The United Kingdom, 2012: para 65)، مقاله‌نامه کار اجباری مصوب سال ۱۹۳۰ م (شماره ۲۹) (Van der Mussele v. Belgium, 1983: para32)، کنوانسیون شورای اروپا در زمینه اقدام علیه قاچاق انسان و موجودات و پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق افراد به‌ویژه زنان و کودکان کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرم سازمان‌یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰ م. بوده است (Rantsev v. Cyprus and Russia, 2010:282).

از نظر قضات دادگاه، بسیاری از موارد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از جمله در مورد حق احترام زندگی شخصی و خانوادگی (ماده ۸) (Sahin v Germany, 2003:para 340)، حق محافظت در برابر رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز (ماده ۳) (Z and Others v United Kingdom, 2002:para73)، حق دادرسی عادلانه (ماده ۶) (V v United Kingdom, 2000:para 86) و سایر مواد کنوانسیون وجود دارد که می‌توان به حقوق کودکان کار می‌توان تعمیم داد. علاوه بر این، حقوق خاص ذکر شده در کنوانسیون - به عنوان مثال، حق حیات (ماده ۲) (O’Keeffe v. Ireland [GC], 2014, para146)، ممنوعیت برده‌داری و کار اجباری (ماده ۴) (2010: 546-557) در نقص حقوق «بدترین اشکال کار کودکان» دخیل است (Vinkovic, 2010).

۵. تعهد و دامنه مسئولیت دولت

دادگاه اروپایی حقوق بشر شدیدترین اشکال خشونت را علیه کودکان تحت مواد مختلف کنوانسیون، از جمله مواد ۲ و ۳ تحلیل می‌کند. دادگاه اعلام می‌کند «دولت وظایف مثبت برای حمایت از کودکان در برابر بدرفتاری، از جمله پیگیری از استثمار آن‌ها توسط اشخاص خصوصی،

حقیقی و موقعیت‌هایی مانند غفلت طولانی‌مدت توسط والدین دارد» (Nencheva and Others v. Bulgaria, 2013). تجاوز جنسی، تنبیه بدنی موارد دیگری است که در محدوده ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است و دولت‌ها تعهد مثبت در این خصوص دارند (O'Keeffe v. Ireland, 2014).

در صورت نبود قوانین حمایتی از کودکان کار، دولت‌ها طبق ماده ۲ کنوانسیون می‌باید مسئولیت‌پذیر باشند. تعهدات مثبت دولت‌ها از وظیفه اصلی به موارد دیگر متفاوت است. تأمین امنیت مؤثر کودکان در برابر خشونت و اشکال مختلف بدرفتاری از تعهدات مثبت دولت‌هاست. تعهدات مثبت شامل «وظیفه تصویب قانون و مقررات مؤثر جزایی است. کشورها همچنین باید اقدام‌ها و ضمانت‌های ویژه‌ای را برای محافظت و پیشگیری از کار کودکان اتخاذ کنند» (O'Keeffe v. Ireland [GC], 2014, para 146).

دادگاه اروپایی حقوق بشر همچنین اعلام می‌کند «خشونت‌هایی علیه کودکان توسط افراد خصوصی، خانه‌های خصوصی یا مؤسساتی که توسط بازیگران غیردولتی صورت می‌گیرد، ممکن است موجبات مسئولیت دولت شود». مهم‌تر از همه، دادگاه اعلام می‌کند که «ممکن است یک کشور وظیفه حمایت از کودکان را به مدیریت خدمات مهم عمومی - مانند آموزش و پرورش - و یا افراد خصوصی واگذار کند تا از پاسخگویی فرار کند» (Costello-Roberts v. The United Kingdom, 1993: para. 27).

در موارد مربوط به تعیین حدود مسئولیت دولت، دادگاه به طور کلی بین دولت‌ها تفاوت قائل است. تعهد محافظت دولت‌ها، هنگامی که خطر به وضوح قابل شناسایی نباشد، به وجود می‌آید. در پرونده قبلی، دادگاه تجزیه و تحلیل کرد که آیا عدم مداخله دولت منجر به خطر واقعی خشونت برای کودک قربانی شده است یا خیر؟ مطابق با نظر دادگاه، «دولت‌ها همچنین باید تحقیق‌های مؤثری در مورد اتهام‌های مربوط به خطر حق حیات افراد بدون در نظر گرفتن اقدام‌های مرتکب شده توسط مأمورین دولتی یا اشخاص خصوصی انجام دهند» (Assenov and Others v. Bulgaria, 1998). استناد دادگاه در خصوص تحقیق‌های مؤثر دولت‌ها عمدتاً بر اساس مواد ۷ و ۱۷ منشور اجتماعی اروپاست.

همچنین دادگاه در زمان بررسی سوءاستفاده جنسی کودکان کار تحت مواد ۳ و ۸ کنوانسیون، شکایات عموماً مربوط به عدم موفقیت دولت‌ها و اقدام‌های مناسب برای محافظت از

کودکان در برابر سوءاستفاده جنسی بوده است. طبق ماده ۳ کنوانسیون، دادگاه بررسی می‌کند که «آیا دولت‌ها تحقیقات مؤثری را انجام داده‌اند یا خیر؟ اتهامات سوءاستفاده جنسی و کودک‌آزاری مطابق ماده ۸ کنوانسیون مربوط به تأثیر چنین اعمال بر سلامت جسمی قربانی و در برخی موارد حق احترام به زندگی خانوادگی مورد بررسی قرار می‌گیرد» (Tyrer v. The United Kingdom,) (1978).

۶. کار خانگی کودکان

در راستای تفسیر ماده ۴ (لغو کار اجباری) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تمام پرونده‌هایی که به نوعی مرتبط با نقض حق‌های مدرن و حتی سنتی برده‌داری کودکان بود، توسط کمیسیون سابق حقوق بشر اروپا رد می‌شد. تا اینکه در پرونده «سیلادین علیه فرانسه»، دادگاه اروپایی حقوق بشر باید نقض ماده ۴ کنوانسیون در خصوص کودکان را مورد ارزیابی قرار می‌داد. مدعی این شکایت دختر ۱۵ ساله اهل توگو بود که با رضایت خانواده‌اش به فرانسه آورده شده بود که به عنوان خانه‌دار مشغول به کار و مراقبت از چهار فرزند به مدت ۱۵ ساعت در روز، ۷ روز در هفته و بدون پرداخت حقوق باشد. وی ادعا کرد که ماده ۴ کنوانسیون در پرونده‌اش نقض شده است، زیرا تنها مجازاتی که دادگاه داخلی به کارفرمایانش تحمیل کرد یک مجازات ساده برای پرداخت غرامت است. دادگاه به اتفاق آراء تصریح کرد که «ماده ۴ کنوانسیون به دلیل عدم اجرای دولت و قوانین جزایی کافی برای محافظت از کار کودکان نقض شده است» (Siliadin v. France, 2005:para.89). به این ترتیب، این حکم نخستین گام بزرگی برای تصمیم ارتباط ماده ۴ کنوانسیون با کار خانگی به‌ویژه در خصوص کودکان کار بود.

در حقیقت، حکم سیلیادین موجب برداشتن محدودیت زیادی در مورد تفسیر مفاهیم در ماده ۴ کنوانسیون می‌شد. دادگاه به این واقعیت اشاره می‌کند که «کنوانسیون به عنوان ابزار زنده است که دادگاه باید در پرتو شرایط امروز و با استفاده از داده‌های موجود در مورد ماهیت و مقیاس سوءاستفاده از کار خانگی، از روش تحول‌آمیز استفاده کند». علاوه بر این، استفاده دادگاه از روش مقایسه‌ای نیز ناقص است به این دلیل که حکم اساسی هیچ اشاره‌ای به پروتکل پالرمو یا کنوانسیون قاچاق اروپا (که به تازگی تدوین شده است) نشده است، علی‌رغم واقعیت‌های موجود، این پرونده دارای همه ویژگی‌های بارز وضعیت قاچاق کودکان بوده است -546 (Allain, 2010:557).

رویکرد بهتری برای تفسیر مفاهیم ماده ۴ کنوانسیون این است که دادگاه استدلال مشابهی را به طور مرتب در تفسیر ماده ۳ کنوانسیون اتخاذ می‌کند. در این زمینه، دادگاه با بررسی بدرفتارهای صورت گرفته و مبنا قرار دادن اصل «حق لغو شکنجه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز» و ارزیابی نسبی شدت و شرایط خاص پرونده‌ها، رویکرد تفسیر خود را ارائه می‌دهد. در شکایت «سلمانی علیه فرانسه»، دادگاه این استدلال را با رویکرد «بازر زنده بودن کنوانسیون» از تغییر رویکرد گذشته خود در خصوص رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز و تفاوت آن با شکنجه می‌گوید. این امر به این دلیل بود که استانداردهای حقوق بشر به طور فزاینده‌ای در رابطه با حمایت از افراد به طور متناوب در حال تغییر است که نقض هر یک از این استانداردها، نقض ارزش‌های اساسی جوامع دموکراتیک است. علاوه بر این، از نظر دادگاه، «حق مصرح در ماده ۳، این واقعیت را نشان می‌دهد که می‌تواند از نقض‌های حقوق کودکان جلوگیری و توازن را برقرار کند؛ بنابراین دادگاه یک رویکرد منطقی را در خصوص تجزیه و تحلیل ماده ۴ کنوانسیون و مفهوم‌سازی مفاهیمی مانند برده‌داری، بندگی و کار اجباری در طیف وسیعی در دنیای واقعی با در نظر گرفتن شدت سوءاستفاده، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. چنین تحلیلی باید با ارزیابی نسبی از خصوصیات فردی قربانی تکمیل شود» (Selmouni v France, 1999: para. 101).

با استفاده از این رویکرد ترکیبی و ارزیابی نسبی، دادگاه با بررسی حقایق پرونده سیلیادین اعلام می‌کند که «جس یک دختر ۱۵ ساله در یک خانواده و کار خانگی روزانه ۱۵ ساعت و ۷ روز در هفته به‌عنوان نوعی برده‌داری تصور می‌شود» (v. France, 2005: para. 72). دادگاه در نتیجه‌گیری خود بر این واقعیت تأکید دارد که به وضعیت خواهان به عنوان یک کودک توجه ندارد که این حقیقت در تصمیم بعدی دادگاه در دعوی «سی ان علیه انگلستان» تقویت می‌شود. حقایق این پرونده بسیار با پرونده سیلیادین مشابه است و تنها تفاوت آن است که شاکی یک زن بالغ است. در بررسی اینکه آیا نقض ماده ۴ کنوانسیون به دلیل عدم موفقیت دولت در رسیدگی صحیح از وضعیت او صورت گرفته است؟ دادگاه اعلام می‌کند که «خواهان مانند سیلیادین در بردگی خانگی نگهداری شده است» (CN v United Kingdom, 2013). در این پرونده به وضوح دیده می‌شود که وضعیت شاکی به عنوان یک کودک با یک فرد بالغ در تصمیم‌گیری دادگاه، تفاوت اساسی نداشته است.

همچنین در پرونده «سی. ان و وی علیه فرانسه» که مربوط به ادعای دو خواهر با منشأ

بوروندی است که پس از مرگ والدینشان، برای زندگی به همراه عمه و خانواده‌اش به فرانسه آمدند، مواردی از کار خانگی کودکان را در چارچوب ماده ۴ کنوانسیون بررسی می‌کند. شاکیان پرونده ادعا کردند «به مدت چهار سال در زیرزمین خانه‌ای با شرایط بسیار بد زندگی می‌کردند. خواهر بزرگ‌تر در مدرسه شرکت نمی‌کرد و همه وقتش را برای انجام کارهای خانگی و مراقبت از پسر عمه معلول‌اش سپری می‌کرد. خواهر کوچک‌تر در مدرسه شرکت می‌کرد ولی خانواده عمه‌اش بعد از مدرسه و پس از کار خانگی به او فرصت می‌دادند تکالیف خود را انجام دهد. هر دو خواهر شکایت خود را به دادگاه اروپایی حقوق بشر اعلام کردند که در معرض کار اجباری بودند». دادگاه اعلام می‌کند که «اولین مورد مدعی واقعاً مشمول کار اجباری است، زیرا دختر مجبور بود روزهای هفته بدون پاداش و بدون تعطیلات کار کند و احساس تغییر در زندگی و وضعیتش نداشت. دادگاه اعلام کرد دولت، تعهدات مثبت خود را برآورده نکرد، زیرا چارچوب حقوقی برای محافظت مؤثر از قربانیان کار اجباری و در رابطه با دادرسی و تحقیق مستقل فوری انجام نداده است. دادگاه استدلال مدعی دوم در مورد کار اجباری را رد کرد، زیرا که دختر دوم توانسته بود به مدرسه برود و به او فرصت داده شد که تکالیف مدرسه‌اش را انجام دهد» (C.N. and V. v. France, 2012 : para.67).

۷. قاچاق کودکان و استثمار آن‌ها

دادگاه اروپایی حقوق بشر هیچ قاعده حمایتی صریح در خصوص قاچاق کودکان و استثمار آن‌ها ندارد. با این وجود، دادگاه تفسیر خودش را بر اساس ماده ۴ کنوانسیون به موضوع قاچاق انسان به ویژه کودکان کار تعمیم داده است. دادگاه، تعریف قاچاق را طبق ماده ۳ (الف) پروتکل جلوگیری، سرکوب و مجازات قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان و کنوانسیون علیه جرائم سازمان‌یافته فراملی (پروتکل پالمو) و ماده ۴ (الف) کنوانسیون اروپایی در زمینه اقدام علیه قاچاق انسان‌ها (که عیناً هر دو تعریف مشترک است) اقتباس کرده است. دادگاه در این زمینه بررسی می‌کند که «آیا چارچوب قانونی دولت پاسخ‌دهنده محافظت مؤثر در برابر قاچاق بوده است یا خیر؟ و دولت چه تعهدات مثبتی با توجه به شرایط خاص پرونده اتخاذ کرده و آیا مقام‌ها تحقیقاتی مؤثر در مورد ادعاهای قابل‌بحث انجام داده‌اند یا خیر؟» (Rantsev v. Cyprus and) (Russia, 2010: para. 282).

پژوهشگران این تحقیق، پرونده خاصی مربوط به قاچاق کودکان کار نیافته‌اند، اما پرونده «رانستو علیه روسیه و قبرس» می‌تواند به قاچاق کودکان نیز تعمیم داده شود، با این مفروض که دادگاه تمایزی بین افراد در این خصوص قائل نیست. پرونده «رانستو علیه روسیه و قبرس»؛ دادخواست رسیدگی مربوط به یک دختر جوان روسی بود که در شرایط مشکوک در قبرس درگذشت. وی با ویزای کار هنرمندان کاباره وارد قبرس شده بود. بعد از فرار، وی از بالکن آپارتمان سقوط کرد و درگذشت. آپارتمان متعلق به یکی از آشنایان کارفرمایش بود. پدرش علیه روسیه و قبرس شکایتی مطرح کرد و مدعی شد که مقام‌های این دو کشور در مورد مرگ دخترش به درستی تحقیق نکرده‌اند. دادگاه اروپایی حقوق بشر برای اولین بار مورد قاچاق انسان را تحت ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بررسی کرد. دادگاه اعلام کرد که «اگرچه قوانین قبرس از حد کافی چارچوب قانونی مبارزه با قاچاق برخوردار است، ولی ماده ۴ کنوانسیون نقض شد. قانون قبرس، کارفرمایان را ملزم به صدور ضمانت مالی رقصندگان کاباره و محافظت مؤثر در برابر قاچاق و بهره‌برداری نمی‌کند». علاوه بر این در شرایط خاص این پرونده، مقام‌های قبرس باید می‌دانستند که دختر مدعی در آنجا در معرض خطر قاچاق بوده است. دادگاه اروپایی حقوق بشر حکم داد که «پلیس نتوانست تدابیری برای محافظت از خانم رانستو در برابر استثمارش اتخاذ کند. از نظر دادگاه از آنجا که مقام‌های روسی به درستی ادعای قاچاق را بررسی نکردند تخلف از ماده ۴ کنوانسیون توسط روسیه صورت گرفته است» (Rantsev v. Cyprus and Russia, 2010).

۸. پورنوگرافی کودکان

دادگاه اروپایی حقوق بشر در موارد متعدد، استفاده کودکان را در صنعت پورنوگرافی طبق ماده ۸ کنوانسیون تحلیل کرده است. پرونده «سودرمن علیه سوئد» توسط دختری مطرح شد که ناپدری هنگام دوش گرفتن سعی کرد از وی فیلم‌برداری کند. دادگاه اعلام کرد که «چارچوب قانون‌گذاری سوئد به اندازه کافی از زندگی خصوصی وی محافظت نکرده است». دادگاه در این رأی تصریح کرد که «دولت سوئد نسبت به حریم خصوصی تعهدات مثبتی دارد که باید یک چارچوب قانونی را تنظیم کند تا از قربانیان محافظت کافی کند». از آنجا که خواهان این پرونده فقط به تلاش برای فیلم‌برداری از مدعی مربوط می‌شود، دادگاه اظهار داشت که «چنین چارچوب

قانونی در واقع لزوم مجازات جنایی را نیز شامل می‌شود. راه‌حل‌های ارائه شده به یک قربانی - یا مدنی یا جنایی - باید مؤثر باشد». در مورد واقعیت‌های این پرونده، دادگاه اظهار داشت که «متقاضی از اقدام‌های مؤثر کیفری یا مدنی بهره‌مند نشده است و تلاش ناپذیری اش برای فیلم‌برداری از وی و فروش فیلم پورنوگرافی، نقض ماده ۸ ماده کنوانسیون است» (Söderman v. Sweden, 2013:para. 36-47)؛ بنابراین استفاده کودکان و استثمار آن‌ها در صنعت پورنوگرافی در چارچوب ماده ۸ کنوانسیون قابل طرح در دادگاه است.

۹. حق آموزش کودکان کار

ماده ۲ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «حق آموزش» را تضمین می‌کند. این ماده پروتکل روشن می‌سازد که کشورها موظف هستند تا حق دسترسی افراد به مؤسسات آموزشی را فراهم کنند (4: 1968 ECTH)؛ اما این یک حق مطلق نیست؛ محدودیت‌ها در این خصوص، باید قابل پیش‌بینی و دارای هدفی مشروع باشد. اقدام‌های انضباطی از جمله تعلیق یا اخراج از یک موسسه آموزشی مجاز است، به شرط آنکه شرایط محدودیت مجاز باشد. عواملی از قبیل اقدام‌های قانونی، مدت‌زمان محرومیت، تلاش‌های مجدد برای بازگشت و کفایت آموزش جایگزین باید در نظر گرفته شود (4: 2011 para Ali v. The United Kingdom). باید توجه داشت که حق آموزش در ماده ۲ پروتکل شماره ۱ شامل آموزش‌های مدارس ابتدایی (Sulak v. Turkey, 1996)، متوسطه (Cyprus v. Turkey [GC], 2010:para278)، آموزش عالی (Leyla Şahin v. Turkey [GC], 2005: para141) و دوره‌های تخصصی می‌شود (Velyo Velev v. Bulgaria, 2014). لذا پیوستن بیشتر کشورها به این پروتکل می‌تواند فضاهای جدیدتری برای احقاق حقوق کودکان کار ایجاد کند.

فرجام سخن

بررسی‌ها نشان می‌دهد دادگاه اروپایی حقوق بشر، بسیاری از موارد را در چارچوب حق‌های احترام زندگی شخصی و خانوادگی (ماده ۸)، محافظت در برابر رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز (ماده ۳) و دادرسی عادلانه (ماده ۶) به حقوق کودکان تعمیم داده است. علاوه بر این حقوق خاص ذکرشده در کنوانسیون، حق‌های دیگری مانند حیات، ممنوعیت برده‌داری و کار اجباری در نقص

حقوق «بدترین اشکال کار کودکان»، بارها مورد استناد دادگاه قرار گرفته است. در این راستا مهم‌ترین مرجع قضات دادگاه در تفسیرشان در خصوص حقوق کودکان به ویژه کودکان کار، کنوانسیون حق کودک مصوب سال ۱۹۸۹ م بوده که بر «اصل بهترین منافع» تأکید دارد. این اصل، آشکارا توانسته نتایج مثبتی را در جهت حمایت از حقوق بنیادین کودکان کار فراهم کند. در مجموع، رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان می‌دهد قضات این دادگاه - بدون آنکه به موضوع سن کودکان توجه کند - با اتخاذ رویکرد تفسیری «بهترین منافع برای کودکان» و در قالب حق‌های تصریح‌شده در کنوانسیون، می‌توانند گام‌های چشمگیری در خصوص حمایت، حافظت و توسعه مفهومی حقوق کودکان کار بردارند. اگرچه آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر، بسیاری از شاخص‌ها و مفاهیم حقوقی مرتبط با حقوق کودکان کار را بهبود و توسعه بخشیده ولی در برخی از موارد مهم مرتبط با حقوق کودکان کار نیز سکوت کرده است. این سکوت هم عمدتاً برمی‌گردد به تفسیری که قضات تنها در چارچوب حق‌های مصرح شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اعمال می‌کنند. علیرغم سکوت دادگاه در مجموع رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر بدون اینکه به موضوع سن کودکان توجه کند توانسته است با این رویکرد و در قالب حق‌های تصریح‌شده در کنوانسیون و توجه به کنسانسیون اروپایی در خصوص پیوستن این کشورها به تعهدات بین‌المللی خود، موفقیت‌های چشمگیری در خصوص حمایت از حقوق کودکان کار فراهم کند و در توسعه مفهومی حقوق مرتبط با کودکان کار نقش مثبتی داشته باشد.

در این راستا، بررسی‌ها نشان از آن دارد که استانداردهای سازمان بین‌المللی کار به طور فزاینده‌ای بارها مورد توجه دادگاه قرار گرفته و یافته‌های تحقیق می‌توان نمایانگر یک گام مهم در مستندسازی این روندها باشد. باید خاطر نشان ساخت تأکید سازمان بین‌المللی کار بر مقابله‌نامه‌های بنیادین خود بیشتر به حداقل سن و بدترین اشکال کار کودکان بوده است. اگرچه پیش‌بینی می‌شود که در آینده در این خصوص با مطرح شدن پرونده‌های بیشتری در دادگاه، شاهد تفسیر چشمگیرتری از توسعه تدریجی حقوق مرتبط با کودکان کار در دادگاه اروپایی حقوق بشر باشیم.

از پیمایش آرای دادگاه در خصوص توسعه مفهومی حقوق کودکان کار نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که تفسیر پویا برای مؤثر و به‌روز نگه‌داشتن حقوق بشر اروپایی، ضروری و

غیرقابل اجتناب است. لذا ضروری است که دادگاه اروپایی حقوق بشر، استانداردهای حقوق کودکان کار را به شیوه‌ای پویاتر تفسیر کند. به نظر می‌رسد «کنسانسوس اروپایی» اگر به درستی استنباط و به کار گرفته شود، می‌تواند آثار مطلوبی جهت تفسیر پویا داشته و مشروعیت برخی از آرای دادگاه را هم به دست آورد. «کنسانسوس اروپایی» در عین اینکه توان تغییر در رویه دادگاه را محدود می‌کند، مطلق نیست و دادگاه می‌تواند با ارائه دلایل مناسب، آن را نادیده بگیرد. البته باید اشاره کرد که تفسیر پویای معاهدات حقوق بشری به هیچ‌وجه بی‌ارتباط با منابع برآمده از اراده و نظر نهادهای مشروع دموکراتیک مانند مجالس قانون‌گذاری نیست. لذا می‌توان روش تفسیری دادگاه اروپایی را روشی تطبیقی دانست؛ به این معنا که می‌خواهد تفسیر پویا را مبتنی بر اصول حقوقی موجود در خارج از کنوانسیون کند. در حقیقت، دادگاه به عنوان مرجع اصلی رسیدگی به اختلاف‌ها، بررسی می‌کند که آیا یک استاندارد مشترک یا حتی کنسانسوس در میان دولت‌های متعاقد اروپایی ایجاد شده است یا نه؟ به علاوه، موضع احتمالی در رابطه با موضوع مورد بررسی در سایر معاهدات بین‌المللی یا حتی حقوق نرم مرتبط، متناوباً باید مدنظر دادگاه قرار گیرد. در این راه، توجه بیشتر قضات دادگاه به منشور اجتماعی اروپا با توجه به عضویت تمام کشورهای عضو شورای اروپا را می‌طلبد.

منابع

الف. فارسی

- ابدی، علیرضا، آگاه، وحید، ابدی، سعید رضا (۱۳۹۲) «تحلیل حقوقی و اندازه‌گیری کاستی‌های کار شایسته در ایران»، حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۳۹، تابستان، صص ۹۱-۱۲۸.
- ایروانیان، امیر (۱۳۸۲) «حمایت از اطفال در برابر بهره‌کشی‌های اقتصادی و جنسی»، نشریه فقه و حقوق خانواده، پیاپی ۳۲، زمستان، صص ۱۱۲-۱۵۰.
- تقوی، سید محمدعلی (۱۳۹۲) «رژیم حقوق بشر در اتحادیه اروپایی؛ عدم شمولیت و یکپارچگی»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال دوم، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص ۲۴-۴۸.
- جنگجوی، فرزاد، نصیری، حسین، حامی، جواد (۱۳۹۴) «مروری بر حمایت از کودکان کار در نظام حقوقی ایران با نگاهی بر اسناد بین‌المللی»، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۱، خردادماه، صص ۷۰-۷۶.

دیانی، عبدالرسول، تقی‌زاده، ابراهیم، بادیانی، حسن، شریفی، علیرضا (۱۳۹۲) «اعمال حقوق بشر در روابط خصوصی»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی حقوق مدنی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۶-۲۶.

رحمتی‌فر، سمانه (۱۳۹۷) «بررسی وضعیت کار کودکان در حقوق ایران، از منظر ماده چهار اعلامیه جهانی حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸۳، پیاپی ۸۲، تابستان، صص ۲۸۳-۳۰۶.

سپهری، محمدرضا (۱۳۹۲) مقاله نامه‌های بین‌المللی کار، تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی، چاپ دوم.

طلایی، فرهاد احمدی باب اناری، سمیرا، نبوی زاده، سیده لیلا (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر کار کودک و تأثیر آن بر حق آموزش کودک با تأکید بر برنامه بین‌المللی حذف کار کودک»، نشریه حقوق بشر، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان، صص ۳-۳۴. عراقی، عزت‌الله و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۲) تحول حقوق بین‌المللی کار، تهران: موسسه کار و تأمین اجتماعی، چاپ اول.

غفاری فارسائی، بهنام (۱۳۸۷) «کنوانسیون بدترین اشکال کار کودک»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال سی و هشتم شماره ۲، تابستان، صص ۲۵۹-۳۳۷.

مصفا، نسربین (۱۳۸۳) طرح تقویت ظرفیت‌های آموزش و پژوهش حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.

مهردل، سید بهنام، روحانی، کارن (۱۳۹۸) «دادگاه اروپایی حقوق بشر و توسعه حقوق بنیادین کار»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۴، زمستان، صص ۲۱۹-۲۵۰.

وطن‌خواه، حمید (۱۳۸۲) تأثیر مصوبات سازمان بین‌المللی کار بر حقوق کار ایران، تهران: سمر، چاپ اول.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴) حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

ب. انگلیسی

Allain, Jean (2010) "Rantsev v Cyprus and Russia: The European Court of Human Rights and Trafficking as Slavery", **Human Rights Law Review**, Vol. 10, No. 3, pp.546 - 557.

Beuren, Van G. (2007) **Child Rights in Europe**, Council of Europe

Publishing.

Blagbruogh, Jonathan (1997) “Eliminating the Worst Forms of Child Labour: A New International Standard”, **The International Journal of Children’s Rights**, Vol. 5, No.1, pp. 123-127.

ECtHR (1968) ”Case Relating to certain aspects of the laws on the use of languages in education in Belgium v. Belgium, Nos. 1474/62, 1677/62, 1691/62, 1769/63, 1994/63 and 2126/64”, (1968).
ECtHR.

ILO (2019) “World Employment and Social Outlook: Trends 2019”,
International Labour Office, Geneva: ILO.

ILO (2020) ”Marking progress against child labor-Global estimates and trends 2000-2020/ **International Labor Office**, International Program me on the Elimination of Child Labor (IPEC)”, Geneva: ILO.

ILO (2007) “Rooting out Child Labour from Cocoa Farms”, **Paper No.4: Child Labour Monitoring: A Partnership of Communities and Government**, International Labour Office, Geneva.

Merrills, Nathaniel (1993) **The Development of International Law by the European Court of Human Rights**, Manchester University Press, 2nd.

Vinkovic, Mario (2010) “The Unbroken Marriage – Trafficking and Child Labor in Europe”, **Journal of Money Laundering Control**, Vol.13, No.2, pp.87-102.

Vitkauskas, Dovydas, Dikov, Grigoriy (2017) **Protecting the Right to a Fair Trial under the European Convention on Human Rights**, A Handbook for Legal Practitioners, 2nd Edition, prepared by Dovydas Vitkauskas Strasbourg, Council of Europe.

Internet

ILO and IPEC (2010) “Helping Hands or Shackled Lives: Understanding Child Domestic Labour and Responses to It”, 1Dec 2020, available at: <http://www.ilo.org/ipeinfo/product/viewProduct.do?productId=348> .

Cases

A.H. and Others v. Russia (2017), Nos. 6033/13 and 15 others,
ECtHR.

- Ali v. the United Kingdom (2011), No. 40385/06, **ECtHR**.
- Assenov and Others v. Bulgaria (1998) No. 24760/94, **ECtHR**.
- CN v United Kingdom (2013), No. 4239/08, **ECtHR**.
- Confederation of Independent Trade Unions in Bulgaria, Confederation of Labour "Podkrepa" and European Trade Union Confederation v. Bulgaria (2005), **ICJ**.
- Costello-Roberts v. the United Kingdom (1993), No. 13134/87, **ECtHR**.
- International Commission of Jurists (ICJ) v. Portugal(1998), **ICJ**, (1/1998).
- Loizidou v Turkey, (1997), No 23513, **ECtHR**.
- M.C. v. Bulgaria (2003), No. 39272/98, **ECtHR**.
- Nencheva and Others v. Bulgaria (2013), No. 48609/06, **ECtHR**.
- O’Keeffe v. Ireland [GC] (2014),No. 35810/09, **ECtHR**.
- Rantsev v. Cyprus and Russia (2010), No. 25965/04, **ECtHR**.
- Şahin v. Turkey (2018), No. 23065/12, **ECtHR**.
- Selmouni v France (2000), No. 403209, **ECtHR**
- Siliadin v. France (2005),No. 73316/01, **ECtHR**.
- Söderman v. Sweden [GC] (2013), No. 5786/08, **ECtHR**.
- Tyrer v. the United Kingdom (1978), No. 5856/72, **ECtHR**.
- V v United Kingdom (2000), No. 24888/94, **ECtHR**.
- Z and Others v United Kingdom (2002), No. 29392/95, **ECtHR**.